

Explaining the Concept of Task and Extracting the Educational Requirements of the Task-Oriented Approach Based on the Teachings of the Holy Quran

Mohammad Azin ¹ | Ahmad Salahshoori ² | Saeed Beheshti ³ | Irandokht Fayyaz ⁴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.2.3

65

Vol. 32
winter 2024
P.P: 31- 57

Research Paper

Received: 07 September
2022

Revised: 01 November 2024

Accepted: 25 February 2025

Published: 19 February 2025

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Abstract

Many research works have been done on what and how Islamic education is. One of the key concepts of interest in religion is the concept of "task". A Muslim always has a duty to God and, accordingly, he has duties to himself, people and other creatures. The present research has first investigated the concept of duty and the words that are close in meaning to it in the Holy Quran. Then, based on the verses of the Holy Quran, the educational requirements of the task-oriented approach was concluded. These requirements include: Man must strive to know his divine duties; Man must adhere to his divine duties; Having the ability to endure hardship is a requirement for adhering to divine duties; In recognizing and determining the task, one should pay attention to the abilities of audience; Man should not become idealistic in performing divine tasks; The oblige must conform both the appearance and the interior of his action to the divine duty. This research is placed in the category of applied researches in terms of purpose and in the category of qualitative researches in terms of approach. The research method is analytical and inferential.

Keywords: Quran, Task, Task-Oriented, Islamic Education.

1. Corresponding Author: PhD student, Department of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, mohammad.azin@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

3. Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Azin, A & Salahshoori, A& Beheshti, S& Fayyaz ,I(2024). Explaining the Concept of Task and Extracting the Educational Requirements of the Task-Oriented Approach Based on the Teachings of the Holy Quran, 32(65), 31–57.

Publisher: Imam Hussein University

 **Authors**

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



توضيح مفهوم التكليف واستخراج المتطلبات التربوية للمنهج الموجه نحو التكليف

استناداً إلى تعاليم القرآن الكريم

محمد آزين^١ | احمد سلحشوري^٢ | سعيد بهشتي^٣ | ايراندخت فياض^٤

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.2.3

رقم

٦٥

المجلد ٣٢

شنتاء ١٤٤٦



ورقة البحث



تاريخ الاستلام: ١٤٤٤ / ٢ / ١٠

تاريخ المراجعة: ١٤٤٦ / ٤ / ٢٨

تاريخ القبول: ١٤٤٦ / ٨ / ٢٦

تاريخ النشر: ١٤٤٦ / ٨ / ٢٠



ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



الملخص

تم إجراء العديد من الأبحاث حول ماهية وكيفية التربية الإسلامية. يُعتبر مفهوم "التكليف" من المفاهيم الرئيسية في الدين. فالإنسان المسلم دائماً ما يكون مكلفاً أمام الله، وبالتالي لديه تكاليف تجاه نفسه، الناس، وسائر المخلوقات. تبحث هذه الدراسة أولاً في مفهوم التكليف والكلمات ذات الصلة الدلالية به في القرآن الكريم. ثم تستخلص الاستلزامات التربوية للمنهج القائم على التكليف استناداً إلى آيات القرآن الكريم. تشمل هذه الاستلزامات ما يلي: يجب على الإنسان أن يسعى لمعرفة تكاليفه الإلهية؛ يجب أن يلتزم الإنسان بأداء هذه التكاليف؛ القدرة على تحمل المشاق ضرورية للالتزام بالتكاليف الإلهية؛ يجب عند التعرف على التكليف مراعاة مدى توافقه مع قدرة المكلف؛ ينبغي على الإنسان ألا ينغمس في المثالية عند أداء التكاليف الإلهية؛ يجب على المكلف أن يطابق ظاهر وباطن أفعاله مع التكليف الإلهي. تُصنّف هذه الدراسة ضمن الأبحاث التطبيقية من حيث الهدف، ومن ضمن الأبحاث النوعية من حيث المنهج. أما الطريقة البحثية فهي تحليلية واستنباطية.

الكلمات المفتاحية: القرآن الكريم؛ التكليف؛ النهج القائم على التكليف؛ التربية الإسلامية.

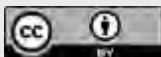
١. المؤلف المسؤول، طالب دكتوراه، قسم فلسفة التعليم والتربية الإسلامية، كلية علم النفس وعلوم التربية، جامعة علامه طباطبائي، طهران، إيران.
Email: mohammad.azin@gmail.com
٢. أستاذ مشارك، قسم فلسفة التربية الإسلامية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران.
٣. أستاذ قسم فلسفة التربية الإسلامية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران.
٤. أستاذ مشارك، قسم فلسفة التربية الإسلامية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران.

الاقباس: آزين، سلحشوري واحمد، بهشتي و سعيد، فياض و ايراندخت (١٤٠٣)، توضيح مفهوم التكليف واستخراج المتطلبات التربوية للمنهج الموجه نحو التكليف استناداً

DOR: <https://dor.lnet/dor/>

إلى تعاليم القرآن الكريم، ٣١-٥٧، ٦٤، ٣٢

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع) المؤلفون هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تبیین مفهوم تکلیف و استخراج استلزامات تربیتی رویکرد تکلیف‌محور بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم

محمد آزین^۱ | احمد سلحشوری^۲ | سعید بهشتی^۳ | ایراندخت فیاض^۴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.2.3

شماره

۶۵

سال سی و دوم

زمستان ۱۴۰۳

صص: ۵۷-۳۱



مقاله پژوهشی



تاریخ دریافت: ۱۶ شهریور ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۱ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۷ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۰۱ اسفند ۱۴۰۳



شابا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱

الکترونیکی: ۵۱۹۶-۳۶۴۵



چکیده

هدف از این پژوهش تبیین مفهوم تکلیف و استخراج استلزامات تربیتی رویکرد تکلیف‌محور بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم است. این پژوهش از نظر هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی و از نظر رویکرد در دسته پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. روش پژوهش تحلیلی و استنباطی می‌باشد. پژوهش حاضر ابتدا به بررسی مفهوم تکلیف و واژگانی که دارای نزدیکی معنایی با آن هستند در قرآن کریم پرداخته است. سپس بر اساس آیات قرآن کریم، استلزامات تربیتی رویکرد تکلیف‌مدار را نتیجه گرفته است. این استلزامات شامل این موارد است: انسان باید برای شناخت تکالیف الهی خود تلاش کند؛ انسان باید به عمل به تکالیف الهی خود پای‌بند باشد؛ داشتن توان تحمل سختی لازمه پای‌بندی به تکالیف الهی است؛ در شناخت و تعیین تکلیف باید به تناسب تکلیف با وسع مکلف توجه داشت؛ انسان نباید در انجام تکالیف الهی دچار ایده‌آل‌گرایی شود؛ مکلف باید هم ظاهر و هم باطن عمل خود را بر تکالیف الهی منطبق سازد.

کلیدواژه‌ها: قرآن؛ تکلیف؛ تکلیف‌محوری؛ تربیت اسلامی.

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: mohammad.azin@gmail.com

۲. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۴. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

استناد: آزین، محمد و سلحشوری، احمد و بهشتی، سعید و فیاض، ایراندخت (۱۴۰۳)، تبیین مفهوم تکلیف و استخراج استلزامات تربیتی

رویکرد تکلیف‌محور بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲ (۶۵)، ۳۱-۵۷.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.65.2.3>

نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است

مقدمه و بیان مسئله

هر رویکرد تربیتی در زمینه‌های نظری، تاریخی یا اجتماعی خاصی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. این رویکردها پایه‌های نظام‌های تعلیم و تربیت را تشکیل داده و به مرور زمان روش‌ها و محتوای مختلفی در دل آن‌ها شکل می‌گیرد. در نظام تعلیم و تربیت دینی، قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین و معتبرترین منبع معارف اسلامی، ظرفیتی گسترده برای استخراج گزاره‌های تربیتی دارد. یکی از موضوعات اساسی در این زمینه، مفهوم تکلیف و نسبت آن با انسان است. به عبارت دیگر، تعیین تکالیف الهی و عمل به آن‌ها نقشی اساسی در هدایت زندگی فردی و اجتماعی انسان در مسیر تکامل دارد (هزاوه‌ای و سلطانی بیرامی، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۲). تکلیف و تکلیف‌محوری به عنوان یکی از اصول بنیادی در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و از آن به عنوان روح دینداری یاد می‌شود. این مفهوم که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد، تأثیر عمیقی در جهت‌دهی به رفتارهای انسان دارد. تکلیف در لغت به معنای «مشقت و دشواری» است و از ریشه «کلفت» گرفته شده است (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۶۴). در ادبیات دینی، تکلیف به معنای مسئولیتی است که از سوی خداوند به انسان محول می‌شود و تبعیت از امر و نهی پروردگار را شامل می‌شود. مکلف کسی است که تابع خواست الهی بوده و زندگی او در چارچوب دستورات شریعت الهی محدود باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۳۸). از نظر فقهی، تکلیف به معنای الزام شارع در انجام یا عدم انجام یک فعل است. این الزام معمولاً مستلزم سختی و دشواری است. در فقه اسلامی، تکلیف شامل اوامر و نواهی الهی است که انسان مؤمن موظف به رعایت آن‌هاست. برخی از فقیهان معتقدند که تکلیف شامل واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح است، اگرچه برخی شمول تکلیف بر مباح را به دلیل عدم وجود مشقت نادرست می‌دانند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷: ۶۰۹-۶۱۱). یکی از حوزه‌هایی که به طور خاص به تکلیف پرداخته است، فلسفه اخلاق است. در فلسفه اخلاق غرب، مفهوم تکلیف با وظیفه‌گرایی اخلاقی که در مکتب کانت نمایان است، شباهت‌هایی دارد. کانت معتقد است که اراده خیر تنها چیزی است که به خودی خود دارای ارزش ذاتی است و عملی که از اراده خیر ناشی شود، فارغ از نتیجه آن، همیشه درست است. در این دیدگاه، عمل به تکلیف بر اساس وظیفه و نه نتیجه آن ارزشمند است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۷۷-۲۷۸؛ فروغی، ۱۳۷۵: ۳۶۱).

در این پژوهش ابتدا به بررسی مفهوم تکلیف و دیگر واژگانی که با این واژه تقارن مفهومی دارند از نظر لغوی و کاربرد این واژگان در قرآن کریم پرداخته شده است. در این مرحله از روش تحلیل مفهوم استفاده شده است و در پایان به جمع‌بندی مفهوم تکلیف در قرآن کریم پرداخته شده است. سپس با تحلیل آیات بررسی شده در مرحله پیش، به استخراج استلزامات تربیتی از این آیات پرداخته شده است.

مبانی نظری

معنای تکلیف

با بررسی معنای لغوی تکلیف درمی‌یابیم که تکلیف به کاری گفته می‌شود که انجام آن با مشقت و سختی همراه است اما در محدوده توانایی انسان قرار دارد (مسعودی، ۱۳۸۹: ۳۲). اما کاربرد تکلیف در ادبیات دینی معنایی خاص‌تر دارد. ریشه کَلَف به معنای امر کردن به کاری است که در آن دشواری باشد و در اصطلاح و فرهنگی دینی، به فرمان الهی تکلیف گفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۰). تکلیف در دین به معنای موظف کردن در برابر تعالیم الهی و تبعیت از امر و نهی پروردگار است. مکلف انسانی است که تابع خواست خداوند و حیاتش محدود به حدود شریعت الهی باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۳۸). علامه حلی می‌نویسد: «هو ارادة من يجب طاعته علی مافیه مشقة ابتداء بشرط الاعلام»، یعنی تکلیف به معنای خواست ابتدایی چیزی است که در آن سختی وجود دارد از سوی کسی که اطاعتش واجب است به شرطی که آن را اعلام کند می‌باشد (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، فرانکنا، ۱۳۷۶: ۶۹).

فلسفه تکلیف

خداوند می‌فرماید «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»^۱ یعنی ما امانت (تعهد تکلیف، مسئولیت و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند، اما

۱ سوره احزاب/ آیه ۷۲

انسان آنرا بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود (قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)^۱. وضع تکالیف از سوی خداوند برای انسان بی‌هدف و بی‌غرض نبوده است. هدف از وضع تکالیف توسط خداوند، زمینه‌سازی برای کسب منافع دنیوی و اخروی توسط انسان است (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۶۸). متکلمان امامیه فلسفه تکلیف را زمینه‌سازی برای رشد انسان، بهره‌مندی از پاداش اخروی و ایجاد نظم در زندگی اجتماعی می‌دانند (فیاضی، ۱۳۹۱: ۴۲).

رابطه حق و تکلیف

با بررسی نگاه دین نسبت به انسان روشن می‌شود که وضع‌کننده تکالیف دینی همان آفریننده انسان و جهان است. لذا هدف باید و نبایدها یا تکالیف دینی که منطبق بر ساختار وجودی انسان و نظام هستی وضع شده‌اند، چیزی جز حفظ حقوق انسان نیست. پایه و اساس حقوق انسان حق کمال است و لذا هر چند ظاهر دستورات و احکام دین تکلیف است، اما این تکالیف در واقعی طریق رسیدن انسان به حقوق اصلی و بنیادین خود هستند (اصغری، ۱۳۸۶: ۸۰).

دلیل این که در طول تاریخ اسلام، بحث رابطه حق و تکلیف توسط اندیشمندان مسلمان مورد توجه قرار نگرفته، نوع نگاه اسلام به این موضوع است. چنان‌چه جهان را هدف‌مند، و دین را برنامه و راهنمای حرکت هدف‌مند انسان در این جهان بدانیم، آن‌گاه دین چیزی جز حق محض نخواهد بود که هدف تمام تکالیفش رساندن انسان به منافع و حقوق خود است. چنان‌چه از منظر دیگری به امر تکلیف الهی بنگریم، مخاطب تکلیف قرار گرفتن انسان حق و جایگاهی بزرگ است که از جانب پروردگار به انسان عطا شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۳).

وظیفه‌گرایی در فلسفه اخلاق

با توجه به نزدیکی مفهومی واژگان تکلیف و وظیفه، به بررسی مفهوم وظیفه‌گرایی در حوزه فلسفه اخلاق می‌پردازیم.

اخلاق وظیفه‌گرا اخلاقی بودن یک عمل را فارغ از نتیجه عمل، همیشگی و ذاتی می‌دانند. از منظر باورمندان به اخلاق وظیفه‌گرا، عملی که خوب است فارغ از نتیجه آن همیشه خوب است و

۱ ترجمه مکارم شیرازی

عملی که بد است فارغ از نتیجه آن همیشه بد است. در این دیدگاه در درجه اول مهم این نیست که چه نتیجه‌ای یا منفعتی حاصل می‌شود، بلکه مهم درست عمل کردن است. چه این عمل دستیابی درست به یک نتیجه باشد مانند رفاه برابر، خوشی مطابق با استحقاق یا حداقل لذت تضمین شده برای همه و چه مستقل از نتیجه باشد مانند ممنوع بودن قتل انسان در هر شرایطی (ادواردز و بورچرت، ۱۳۹۲: ۲۹۲).

کانت در کتاب بنیاد ما بعد الطبیعه اخلاق می‌گوید: «هیچ چیز را در جهان و حتی بیرون از جهان نمی‌توان در اندیشه درآورد که بی قید و شرط خوب دانسته شود، مگر نیت یا اراده خوب.» این بدان معناست که چنانچه لازم باشد یک قانون اخلاقی بدون قید و شرط الزام‌آور باشد، باید دربردارنده چیزی باشد که ذاتا خوب است. کانت معتقد است اموری از قبیل لذت، قدرت و ثروت ذاتا و بدون قید و شرط خوب نیستند، چون ممکن است به کارهایی منجر شوند که همه آن کارها را بد می‌شمارند (کانت، ۱۳۶۹: ۱۲-۱۳).

بر اساس دیدگاه کانت، تکلیف انسان یعنی عمل کردن مطابق با قانون. منظور کانت از قانون، قانونی است که استثناپذیر باشد. همان‌گونه که قوانین طبیعی استثناپذیر نیستند، قانون اخلاقی هم باید استثناپذیر باشد با این تفاوت که قوانین طبیعی بر تمام موجودات مادی اطلاق دارند و قانون اخلاقی بر تمام موجودات عاقل (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۸۰-۲۸۸).

بر اساس آنچه بیان شد وظیفه‌گرایی در حوزه فلسفه اخلاق، هرچند ممکن است از جنبه‌هایی اشتراکاتی با مفهوم تکلیف‌گرایی دینی داشته باشد، اما از آن‌جا که تکلیف انسان در دین در برابر خالق تعریف می‌شود نه برابر قانون اخلاقی، این دو مفهوم بر یک‌دیگر منطبق نمی‌باشند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره تکلیف‌گرایی انجام شده است. حسینی (۱۳۸۳) در پژوهش خود به فلسفه تکلیف از دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته و بیان کرده که تکلیف نقش مهمی در به فعلیت رساندن اختیار انسان دارد. کربلایی و پازوکی (۱۳۸۷) بر اهمیت مرحله‌ای بودن تعلیم و تربیت اجتماعی از دیدگاه ملامحسن فیض کاشانی تأکید کرده‌اند. فیاضی (۱۳۹۱) معنای لغوی و اصطلاحی تکلیف را از منظرهای مختلف فقهی، فلسفی و کلامی بررسی کرده است. موحدی

محصل طوسی و همکاران (۱۳۹۲) رویکردهای تربیت دینی را نقد و طبقه‌بندی جدیدی ارائه داده‌اند. هزاوه‌ای و سلطانی بیرامی (۱۳۹۴) دیدگاه امام خمینی (ره) درباره تکلیف‌گرایی را از ابعاد مختلف فقهی، عرفانی و کلامی تحلیل کرده‌اند و تکلیف‌محوری را عنصر اصلی اندیشه سیاسی ایشان دانسته‌اند. زمهریر وقاری و همکاران (۱۳۹۵) پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر رویکرد تکلیف‌گرایی ارائه کرده‌اند. پورعزت و همکاران (۱۳۹۷) الگویی برای پرورش شهروندان بر اساس تکلیف‌محوری در حکومت علوی ارائه داده‌اند. گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) بر اساس رساله حقوق امام سجاد (ع)، عواملی برای مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان استخراج کرده‌اند.

پژوهش‌های فوق به تکلیف‌گرایی به‌عنوان یک رویکرد مستقل در تربیت عمومی نپرداخته‌اند، بلکه آن را به‌عنوان عنصری جزئی یا در حوزه‌های خاص بررسی کرده‌اند. پژوهش حاضر بر اساس این نیاز، به تبیین مفهوم تکلیف در دین اسلام و استخراج استلزامات تربیتی آن پرداخته.

روش‌شناسی پژوهش

برای پاسخ به پرسش اول پژوهش از روش تحلیل مفهومی استفاده شده است. تحلیل مفهومی فعالیتی پژوهشی است که فیلسوفان تحلیلی زبان آن را انجام می‌دهند. آن‌ها در تحلیل خود معیارهای زبانی و منطقی را ملاک تحلیل و قضاوت خود قرار می‌دهند و به جای ابداع نظام‌های فلسفی و ایدئولوژیک، سعی در تثبیت معانی دارند (گوتک، ۱۳۹۰: ۱۹۱). هدف این روش رفع ابهام از مفاهیم و بهبود بخشیدن به مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی است تا مقاصد را بیان و ساختارها را مشخص نماید. در این پژوهش به تحلیل مفهوم تکلیف در آیات قرآن کریم پرداخته شده است و موارد استفاده، شرایط و ابعاد آن مفهوم مورد تحلیل قرار گرفته است. براین اساس در ابتدا، حدود و دامنه مفهوم تکلیف مشخص شده و سپس بر اساس آیات دیگر مورد تحلیل و واکاوی دقیق قرار گرفته است، تا مفهوم آن مشخص شود. هم‌چنین با مشخص کردن واژگانی که با مفهوم تکلیف قرابت معنایی دارند و بررسی کاربرد آن‌ها در قرآن کریم شبکه مفهومی تکلیف در قرآن کریم مشخص شده است.

برای پاسخ به پرسش دوم از روش استنباطی استفاده شده و بر اساس آن استلزامات رویکرد تربیتی تکلیف محور بر اساس آموزه‌های قرآن کریم استخراج شده است. روش استنباطی روشی است که طی آن دلالت‌ها و راهکارهای تربیتی چون اصول و روش‌های تربیتی تبیین می‌شود. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۲۶-۱۲۷)

سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ گویی به دو پرسش زیر می‌باشد.

۱. مفهوم تکلیف بر اساس آموزه‌های قرآن کریم چیست؟
۲. استلزامات تربیتی رویکرد تکلیف محور بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم چیست؟

یافته‌های پژوهش

مفهوم تکلیف بر اساس آموزه‌های قرآن کریم چیست؟

برای بررسی مفهوم تکلیف در آیات قرآن کریم ابتدا معنای لغوی تکلیف و ویژگی‌های آن بررسی شده است. سپس آیاتی بررسی شده است که واژگان هم خانواده تکلیف در آن‌ها به کار رفته است. در ادامه واژگانی که قرابت معنایی با تکلیف و تکلیف کردن دارند مشخص شده و معنای لغوی شان مورد بررسی قرار گرفته است. سپس آیاتی که واژگان هم خانواده این واژگان در آن‌ها به کار رفته بررسی و ویژگی‌های مفهومی این کلمات تکمیل شده است. در پایان و بر مبنای بررسی‌های انجام شده شبکه‌ای از مفاهیم و ویژگی‌های مرتبط با تکلیف را ترسیم شده است. در این بررسی‌ها از واژه‌نامه، معجم و تفسیر المیزان استفاده شده است. غیر از واژه تکلیف، واژگان وظیفه، مسئولیت، حکم، امر، ایجاب، الزام، عهد، میثاق، فرض، عقد و عبارت «کتب علی» مواردی هستند که با تکلیف قرابت مفهومی دارند و در این مقاله بررسی شده است.

الف) بررسی مفهوم واژه تکلیف

ابتدا معنای لغوی تکلیف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فرهنگ عمید معنی واژه تکلیف در جایگاه مصدری، کاری دشوار به عهده کسی گذاشتن یا فرمان به کاری سخت و پرمشقت دادن و در جایگاه اسمی وظیفه و امری که به عهده شخص است و باید آنرا انجام دهد ذکر شده است

(عمید، ۱۳۵۸). فرهنگ معین واژه تکلیف را در جایگاه مصدری، به رنج افکندن و بار کردن و در جایگاه اسمی وظیفه‌ای که باید انجام داد بیان کرده است (معین، ۱۳۶۴).

در زبان عربی تکلیف از ماده الكُلْفَةُ گرفته شده که به معنی سختی و مشقت است. تکلیف امر به چیزی است که در آن مشقت و سختی باشد (فیومی، ۱۴۱۴ ق: ۵۳۷) (طریحی، ۱۳۷۵ ج: ۵، ص ۱۱۵) (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۹، ص ۳۰۷). تکلیف امری را متوجه شخصی کردن و از این طریق برای او دشواری و محدودیت ایجاد کردن است (مصطفوی، ۱۴۲۶ ق: ج ۱۰، ص ۱۱۰). ابوهلال عسکری می‌نویسد «او را تکلیف کرد، به معنای این است که او را به کاری که برایش سخت است امر کرد». از نظر وی تکلیف به معنای الزام کردن است و سختی آن نیز به علت الزام و محدود کردن اختیار مخاطب تکلیف است نه به خاطر خود عمل (عسکری، ۱۴۱۲ ق: ۱۳۸). تکلیف به کاری گفته می‌شود که انجام آن با مشقت و سختی همراه است اما در محدوده توانایی انسان قرار دارد (مسعودی، ۱۳۸۹: ۳۲). تکلیف کردن به کاری به معنای فرض و واجب کردن کاری برای کسی است که توانایی انجام آن را دارد (نجار و همکاران، ۱۹۸۹ م: ۷۹۵).

اینکه به کاربرد واژه تکلیف در دین می‌پردازیم. تکلیف در دین به معنای موظف کردن در برابر تعالیم الهی و تبعیت از امر و نهی پروردگار است. انسان مکلف تابع خواست خداوند و حیاتش محدود به حدود شریعت الهی است (جوادی آملی، ۱۳۶۳: ۲۳۸). تکالیف از جناب خداوند متعال و رسولش (ص) متوجه افراد می‌شود (مصطفوی، ۱۴۲۶ ق: ۱۱۰). در مراجعه به قرآن کریم با هشت آیه مواجه می‌شویم که واژگان هم‌خانواده تکلیف در آن‌ها به کار رفته است. در شش آیه ۷/طلاق، ۶۲/مومنون، ۴۲/اعراف، ۱۵۲/انعام، ۲۸۶/بقره و ۲۳۳/بقره از این هشت آیه، واژگان هم‌خانواده تکلیف یعنی تُکَلِّفُ، يُکَلِّفُ و نُکَلِّفُ به معنای تکلیف کردن امری از سوی خدا به کار رفته است. در پنج آیه از این آیات این امر بیان شده است هیچ‌گاه خداوند متعال تکلیفی بیش از وسع و توان و فهم بندگان برایشان تعیین نمی‌کند.

در آیه ۸۴/نساء واژه تُکَلِّفُ در جایگاه مکلف و موظف بودن به کار رفته است و خداوند پس از سرباز زدن مردم از جهاد از پیامبر (ص) می‌خواهد که خودش به تنهایی به جهاد پردازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۹). هرچند عمل به تکلیف الهی واجب است، اما نمی‌توان انسان را مجبور به انجام تکلیف کرد و او می‌تواند با اختیار خود درباره عمل به تکلیف تصمیم‌گیری نماید.

لذا تکلیف به معنی اجبار نیست و تکلیف کردن متضمن معنی اجبار کردن نمی‌باشد. هم‌چنین از این مطلب نتیجه گرفته می‌شود که تکلیف بر اساس شرایط مخاطب تعیین می‌شود، ممکن است مخاطب برخی از تکالیف عموم انسان‌ها باشند، مخاطب برخی از تکالیف گروهی مشخص، و مخاطب برخی از تکالیف یک شخص همانند پیامبر گرامی اسلام (ص).

در ارتباط با آیه ۲۳۳/بقره کلمه «وسع» در اصل به معنای وسعت مکانی بوده. بعدها قدرت انسان به ظرفی تشبیه شده که افعال اختیاری انسان از آن ظرف صادر می‌شود، یعنی افعال اختیاری انسان در حد و اندازه ظرفیت اوست. لذا وسع به معنای طاقت و ظرفیت به کار برده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۸۴). این آیه این حقیقت عقلی را تأیید می‌کند که وظایف و تکلیفی که خداوند بر دوش بنده می‌گذارد هیچ‌گاه بیشتر از میزان قدرت و توانایی بنده نیست، لذا می‌توان گفت تمام احکام از همین قاعده تبعیت می‌کنند و مقید به این قاعده می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۰۱). علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۸۶/بقره می‌نویسد سنت خدا این است که از مراحل ایمان آن مقدار را بر بندگان تکلیف کرده که در خور فهم ایشان باشد و از اطاعت آن مقدار را بر ایشان تکلیف کرده که در خور قدرت ایشان باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۸۴).

آیه ۶۲/مومنون به این حقیقت اشاره دارد که اولاً تکالیف تعیین شده برای انسان در حد وسع او هستند و اگر انجام تکلیف برای انسان سختی داشته باشد، خداوند اجر انسان را ضایع نخواهد کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۷). نکته دیگری که از این آیه استفاده می‌شود، آن است که هر نفسی به نسبت وسعش مکلف است و لذا مراتب عقول و مراتب توانایی‌های عملی بر تکلیف آدمی اثرگذار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۸).

در آیه ۷/طلاق خداوند تکلیف انفاق با هدف توسعه رزق و زندگی همسر مطلقه و فرزندش را بر عهده مردی می‌گذارد که دارای توانایی مالی است و در مورد کسی که توانایی مالی ندارد می‌فرماید هر اندازه که می‌تواند در زندگی ایشان توسعه بدهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۳۳). از این آیه نتیجه می‌شود تکلیف هر انسانی با توانایی‌ها و داشته‌های او نسبت دارد. در یک آیه ۸۶/صباقی مانده از مجموعه آیات ذکر شده، واژه مُتَكَلِّفِينَ به مفهوم کسانی که خود را به سختی و مشقت می‌اندازند استفاده شده است که از مفهوم مدنظر ما دور است.

از بررسی آن‌چه گذشت نتیجه می‌شود معنای تکلیف امر کردن انسان دارای اختیار است به نحوی که همراه با مشقت و سختی بوده اما در محدوده وسع مخاطب قرار داشته باشد. تکلیف در معنای خاص خود به معنی تابع امر و نهی الهی بودن و زندگی کردن در محدوده حدود شریعت است. تکلیف در مورد امور اختیاری معنا دارد و مکلف در انجام دادن یا ندادن تکلیف مختار است. هم چنین سختی تکلیف به خاطر محدود کردن اختیار مکلف است نه سختی خود عمل.

ب) بررسی مفهوم واژه وظیفه

از نظر دهخدا وظیفه آنچه که شرعا و عرفا در عهده کسی باشد، است. وی وظیفه و تکلیف را مترادف هم می‌داند (دهخدا، ۱۳۷۷). فرهنگ‌های معین و عمید وظیفه را کاری که انسان مکلف به انجام آن باشد، می‌دانند (معین، ۱۳۶۴) (عمید، ۱۳۵۸). وظیفه به معنای پیمان و عهد است و موظف کردن به معنای گماردن کسی به کاری است (مهیار، ۱۳۷۶: ۹۸۹). وظیفه به معنای تعیین کاری برای کسی است (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۱۷۰).

بر اساس آن‌چه بیان شد، معنای دو واژه وظیفه و تکلیف بسیار به هم نزدیک است. با بررسی کاربرد واژه در حوزه علوم انسانی در می‌یابیم که واژه وظیفه در حوزه‌های اخلاق و علوم اجتماعی کاربرد دارد. مانند رویکرد اخلاق وظیفه‌گرای کانت که در مقدمه به آن پرداخته شد. کانت را سرسلسله پیروان مکتب وظیفه‌گرایی اخلاقی می‌دانند (ژکس، ۱۳۶۲: ۱۰۲). می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که واژه تکلیف عمدتاً در ادبیات دینی کاربرد دارد و واژه وظیفه در حوزه اخلاق و علوم اجتماعی.

ج) بررسی مفهوم واژه مسئولیت

دهخدا مسئولیت را مصدر صناعی یا جعلی از مسئول و به معنای ضمانت، ضمان، تعهد و مواخذه می‌داند (دهخدا، ۱۳۷۷). معین مسئولیت را آن‌چه انسان عهده دار و مسئول آن باشد دانسته است (معین، ۱۳۶۴). عمید مسئولیت را عهده‌دار وظایف، اعمال، و افعال شدن و نیز سرپرستی دانسته است (عمید، ۱۳۵۸). فرهنگ بزرگ جامع نوین مسئولیت را شایسته و قابل بازخواست بودن و وظیفه‌ای که بر عهده شخص است دانسته است (سیاح، ۱۳۶۶). مسئول کسی است که عهده‌دار

1 Jacques P. Thiroux

امری شده باشد (مهیار، ۱۳۷۶: ۸۱۵). مسئولیت اهلیت عاقل در برابر نتیجه اعمال اختیاری‌اش است (ملعوف، ۲۰۰۰ م). در اصطلاح مسئولیت به مورد سوال و بازخواست بودن انسان در برابر کارها و وظایفی است که بر عهده دارد (خواص، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

در مجموع واژگان از ریشه «سئل» ۱۲۸ بار در ۱۱۷ آیه در قرآن کریم به کار رفته‌اند. کاربرد این واژگان در بسیاری از این آیات با مفهوم تکلیف و مسئولیت ارتباط مستقیمی ندارد. در میان آیاتی که مفهوم تکلیف و مسئولیت در آن‌ها مورد توجه بوده، می‌توان به نتایج زیر دست یافت. اصل مسئول و مورد بازخواست بودن انسان در آیات قرآن کریم مورد تاکید است از جمله آیات ۶/اعراف - ۵۶/نحل - ۹۳/نحل - ۸/تکواثر - ۹۲/حجر - ۱۳/عنکبوت. از نظر قرآن کریم این مسئولیت در حوزه‌های مختلف از جمله اعمال (آیات ۱۳۴/بقره - ۱۴۱/بقره - ۲۵/سبا - ۲۳/انبیاء - ۹۳ - و عقاید (۵۶/نحل - ۱۳/عنکبوت) است. از تعدادی از آیات قرآن کریم (۱۱۹/بقره - ۱۳۴/بقره - ۱۴۱/بقره - ۲۵/سبا) برداشت می‌شود که انسان نسبت به اعمال خودش تکلیف دارد و نسبت به اعمال دیگران مسئولیتی ندارد. خطاب برخی از آیات خطاب عمومی است، یعنی به عموم مومنان یا کفار اشاره دارد یا یک حکم با مخاطب عمومی را مدنظر دارد (۱۳۴/بقره - ۲۵/سبا). در آیه (۶/اعراف) به بازخواست از مخاطبان پیامبران و هم‌چنین بازخواست از خود پیامبران اشاره شده است. هم‌چنین از برخی آیات چنین برداشت می‌شود که غیر از مسئولیت و تکلیف فردی، نوع دیگری از مسئولیت و تکلیف نیز وجود دارد که گروهی و قومی است. چنان‌چه در آیه (۴۴/زخرف) خطاب به پیامبر(ص) و قوم پیامبر می‌فرماید که به‌طور ویژه مورد سوال قرار خواهند گرفت. یا در آیات (۱۳۴/بقره و ۱۴۱/بقره) مورد سوال قرار گرفتن را با فعل جمع آورده است. جمع‌بندی آن که مسئولیت به معنای آن است که انسان مختار عهده‌دار کاری شود چنان‌که سزاوار بازخواست باشد. زمانی مسئولیت برای انسان تعریف می‌شود که وظیفه‌ای برای وی وجود داشته باشد. با توجه به این که مسئولیت برای فرد مختار تعریف می‌شود، هر شخصی در برابر اعمال خود مسئول است نه اعمال دیگران. انسان هم در برابر عملش و هم در برابر عقایدش مسئولیت دارد. مسئولیت انسان ممکن است به طور کلی در برابر اعمال و عقاید و یا مصادیقی از آن‌ها باشد. مسئولیت می‌تواند نسبت به فرد تعریف شود یا جمع.

د) بررسی مفهوم واژه حکم

حُکْم اصلش منع و بازداشتن برای اصلاح است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۲۵). ماده «حکم» دلالت دارد بر اتقان و استحکامی که اگر در هر چیزی وجود داشته باشد، اجزایش از تلاشی و تفرقه محفوظ است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۶۳). حکم به معنی قضاء و فرمان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۵۱۱). حکم یعنی اثبات چیزی برای چیز دیگر، و یا اثبات چیزی مقارن با وجود چیز دیگر (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۶۴).

در ادبیات دینی حکم که با تکلیف نزدیکی معنایی دارد به معنای امر کردن، دستور دادن و فرمان دادن است. حکم در اصطلاح فقهی و اصولی به خطاب خداوند به مکلفان گفته می‌شود. احکام به دو دسته تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شوند. احکام تکلیفی به اعمال تعلق پیدا می‌کنند و احکام وضعی چیزی را به چیز دیگری اختصاص می‌دهند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۲). حکم خطاب شرعی نسبت به افعال مکلفین است. همچنین خطاب شرعی از سوی خداوند متعال است برای تنظیم زندگی انسان (حسینی، ۲۰۰۷ م: ۱۴۸). در بیان نسبت میان حکم و تکلیف باید گفت حکم به نفس دستور و فرمان گفته می‌شود و تکلیف به عمل کردن به آن دستور گفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۳).

در قرآن کریم واژگان از ریشه «حکم» ۲۱۰ بار در ۱۸۹ آیه به کار رفته است. حکم در معانی مختلفی از جمله داوری کردن، حکمت، حکومت کردن و فرمان دادن به کار رفته است. در آیه ۳۷/رعد تعبیر حکم برای قرآن به کار برده شده است. منظور از «حکم» قضاء و فرمان است، چون شان کتابی که از آسمان نازل شود همین است. هم چنان در آیه ۲۱۳/بقره فرمود خداوند کتاب را با پیامبران(ع) فرستاد تا به وسیله آن میان مردم حکم کند. لذا کتاب از یک نظر حکم الهی است، و از یک نظر حاکم میان مردم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۵۱۱).

یات (۴۰/یوسف و ۵۷/انعام) حکم را تنها از آن خدا دانسته‌اند. حکم به حق به طور استقلال و اولاً و بالذات، تنها از آن خدای سبحان است، و غیر او کسی مستقل در آن نیست، و اگر هم کسی دارای چنین مقامی باشد، خدای سبحان بر او ارزانی داشته، و او در مرتبه دوم است. هم چنین حکم در آیه (یوسف/۴۰) به حکم تشریعی اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۶۵-۱۶۶).

جمع‌بندی آن که حکم در معنای عام خود اثبات چیزی بر چیز دیگر است و در معنای خاص خود به دستورات دینی و تشریعی که برای انسان مکلف وضع شده است گفته می‌شود. حکم نقس دستور است در حالی که تکلیف به جنبه عمل به آن دستور اشاره دارد.

ه) بررسی مفهوم امر

امر معانی مختلفی دارد، اما کاربرد مدنظر ما «امر کردن» است که با تکلیف قرابت مفهومی دارد. امر کردن به معنای دستور دادن و فرمان دادن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۳). امر کردن به معنای چیزی را از کسی خواستن است. «أَمَرَ ب» به معنای حکم کردن است (ملعوف، ۲۰۰۰ م: ۱۷). امر کردن به انجام کاری یعنی دستور دادن به انجام آن کار. «أَمَرَهُ الشَّيْءَ وَ بِالشَّيْءِ» یعنی از او خواست که کاری را انجام دهد. شخص امر کننده آمر و شخص دوم مامور است (مهیار، ۱۳۷۶: ۱۳۰).

امر در قرآن کریم در آیات متعددی به معنای فرمان دادن به کار رفته است. از جمله این آیات می‌توان به آیات (۱۱۲/هود - ۱۵/شوری - ۹۴/حجر - ۱۴/انعام - ۱۶۳/انعام - ۷۲/یونس - ۱۰۴/یونس - ۳۶/رعد - ۹۱/نمل - ۱۱/زمر - ۱۲/زمر - ۶۶/غافر - ۱۱۷/مائده) اشاره کرد. امر کردن در «أَمَرْتُ ابْنِي أَنْ يَصَلِّيَ قَبْلَ بُلُوغِهِ» به معنای تکلیف کردن و خواستن است (حیدری، ۱۴۲۳ ق: ۲۹). فعل امر کردن به معنای تکلیف کردن است، اما امر در نقش اسم لفظی عام برای شان و کار و لذا اشاره کننده همه افعال و اقوال هم هست که کاربرد این واژه در آیات متعدد این عام بودن را نشان می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۲۰۰). جمع‌بندی آن که آن کاربردی از امر در قرآن کریم که به مفهوم تکلیف کردن نزدیکی دارد، فرمان دادن است.

و) بررسی مفهوم ایجاب

واجب با لازم و ثابت و حق نزدیکی معنایی دارد (مدنی، ۱۳۸۴: ۱۲۹) (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۷۹۳). ایجاب به معنای لازم گردانیدن، فرض کردن، لازم کردن ثابت و لازم گردانیدن بر کسی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۸۳) (نفیسی: ۴۷۳). وجوب به معنی ثبوت است و اجبات به واسطه ثابت العمل بودن واجبات خوانده می‌شوند (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۸۲). اگر خواسته‌ای به شکل الزام به فعلی

تعلق پیدا کند، اگر این خواسته از نوع منع از ترک فعل باشد، آن عمل را واجب، خواسته را به واسطه این که به آن عمل قائم است وجوب و به واسطه این که از آمر صادر گردیده ایجاب می‌نامیم (مختاری، ۱۳۷۷: ۲۶۵). مفهوم واجب را از دو منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد. اول واجب در برابر ممکن یا ممتنع. و دوم واجب به معنای عملی که اگر شخص آن را انجام ندهد سزاوار سرزنش خواهد بود. که این حالت خود دارای نوع است: اول، واجبی که عقل به آن حکم می‌کند و دوم واجبی که دین و شرع به آن حکم می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۱۸). در قرآن کریم واژه‌ای از ریشه «وجب» به کار نرفته است. جمع‌بندی آن که واژه ایجاب به معنی لازم گردانیدن و فرض کردن چیزی بر کسی است و در آن جنبه ثابت بودن و ثبوت آن چیز مورد تاکید است.

ز) بررسی مفهوم فرض

(مهیاری، ۱۳۷۶) معنی فرض را واجب کردن و تعیین کردن دانسته. همچنین (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق) نیز معنی فرض کردن چیزی را واجب کردن آن چیز دانسته. مانند فرض الله الصلوة فرضا. خدا نماز را واجب کرده است. واجب کردن چیزی را به اعتبار وقوع و ثباتش ایجاب می‌گویند، و به اعتبار بریده شدن، و یک طرفی شدن تکلیف در آن، فرض می‌گویند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۱۲). از همین ریشه می‌توان فریضه و فرائض را مورد توجه قرار داد که به معنای آن چیزی است که خداوند متعال واجب گردانیده (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۰).

در ۱۴ آیه قرآن کریم هم خانواده‌های فرض در مجموع ۱۸ بار به کار رفته‌اند. در آیات فوق (۷/نساء - ۱۱/نساء - ۶۰/توبه - ۱۱۸/نساء) مشتقات فرض به معنای تعیین کردن و به طور خاص تقسیم کردن سهم به کار رفته است. در آیه (نساء/۱۱) فریضه به معنای حدود و احکام مشخص شده از سوی خداوند به کار رفته است. آیه (توبه/۶۰) تعیین اقسام زکات را فریضه‌ای از جانب خداوند بیان می‌کند. در آیات (۱/نور - ۲۴/نساء - ۸۶/قصص - ۵۰/احزاب) فریضه به معنای واجب به کار رفته است.

در آیاتی که کاربرد فرض در آن‌ها به معنای تکلیف کردن نزدیک است، فرض کردن در معنای واجب کردن یا تعیین و تبیین احکام از سوی خدای متعال به کار رفته است. می‌توان معنی

فرض کردن را به ایجاب نزدیک دانست، با این تفاوت که در فرض نهایی بودن و قاطع بودن حکم مورد تاکید است.

ح) بررسی مفهوم واژه الزام

الزام یعنی مقارن و همراه کردن چیزی با چیزی دیگر آن طور که از آن جدا نشود و همواره همراهش باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۰۸). الزام به معنی حکم کردن بر کسی است، خواه آن حکم واجب باشد یا نباشد (دغیم و جهامی، ۲۰۰۶ م: ۳۳۷). یکی از کاربردهای الزام، الزام به حکم و فرمان است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۳۱). التزام آن چیزی است که انسان بر خودش واجب می‌کند. و به معنای تعهد است. الزامی به معنی واجب و اجباری است (ملعوف، ۲۰۰۰ م: ۱۲۸۰-۱۲۸۱). تفاوت میان الزام و ایجاب در آن است که الزام هم در مورد حق و در مورد باطل به کار می‌رود، اما ایجاب تنها در مورد حق به کار می‌رود (عسکری، ۱۴۰۰ ق: ۲۱۹).

تنها در یک آیه از آیات قرآن کریم ۲۸/هود واژه «نُلْزِمُكُمْوهَا» به عنوان هم‌خانواده‌ای از الزام در معنایی نزدیک به معنای تکلیف کردن به کار رفته است. الزام در این آیه به معنی وادار کردن به کار رفته است. حضرت نوح(ع) در این جا بیان می‌کند که من نمی‌توانم شما را به کاری وادارم که نسبت به آن کار کراهت دارید. از این آیه چنین نتیجه می‌شود که اجبار نکردن در پذیرش دین خدا خود یکی از احکام دینی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۰۸-۳۰۹). الزام در حقیقت الزام به حکم، فرمان، واجب و عهدی است، اما محدود به امور حق نیست و ممکن است در مورد امور باطل نیز به کار رود.

ط) بررسی مفهوم عهد

در فرهنگ ابجدی عهد به معنای وفاداری، تضمین، پیمان و سوگند و تعهد مصدر عهد و به معنای التزام، پیمان و تضمین است (مهیار، ۱۳۷۶: ۲۴۱ و ۶۲۸). عهد حفظ و نگه داشتن چیزی و مراعات نمودن آن است که مراعات آن لازم است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۶۰). کلمه عهد در اصل به معنای حفاظ است، و همه معانی آن از جمله میثاق، سوگند، وصیت، دیدار و نزول از این معنا مشتق شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۲۷). تعهد آن چیزی است که انسان خود را به آن ملزم می‌کند و آن را بر خودش واجب می‌کند (ملعوف، ۲۰۰۰ م: ۱۰۳۰). در قاموس قرآن عهد به

معنای نگهداری و مراعات پی در پی آمده است. از آن‌جا که مراعات پیمان لازم است عهد در مورد پیمان هم به کار رفته است. اگر عهد به معنای امر در نظر گرفته شده از جهت لازم الحفظ بودن آن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۹).

در قرآن کریم در آیات متعدد عبارت «عهد الله» به کار رفته است. در آیات (۲۷/بقره - ۴۰/بقره - ۱۲۴/بقره - ۱۲۵/بقره - ۷۷/آل عمران - ۱۵۲/انعام - ۸۰/بقره - ۱۳۴/اعراف - ۷۵/توبه - ۲۵/رعد - ۹۱/نحل - ۹۵/نحل - ۱۱۵/طه - ۱۵/احزاب - ۲۳/احزاب - ۶۰/یس - ۱۱/توبه - ۱۰/فتح - ۲۰/رعد - ۷۸/مریم - ۸۷) تعبیر عهد الله یا تعبیری مشابه به کار رفته است. عهد خدا در معنای کلی‌اش به معنای توحید و پابندی به لوازم توحید است و در معنای تفصیلی خود به معنای پابندی به احکام و شرایع دین است.

عهد با امر کردن و تکلیف کردن نزدیکی معنایی دارد، اما جهت عهد گرفتن رعایت و نگهداری آن امر و تکلیف است. از این روست که وفای به عهد مورد تمجید جدی و شکست عهد مورد نکوهش شدید در قرآن قرار گرفته است.

ی) بررسی مفهوم میثاق

میثاق به معنای عهد و پیمان است. چیزی که دو نفر یا بیشتر بر آن عهد می‌بندند. (ملعوف، ۲۰۰۰ م ص. ۸۸۷) (نجار و همکاران، ۱۹۸۹ م: ۱۰۱۲) (مهیار، ۱۳۷۶: ۸۸۲) (یعقوب، ۱۴۲۵ ق: ۴۵۵). میثاق پیمانی است که با سوگند محکم شده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۸۵۳) (قرشی، ج ۷: ۱۳۷۱). میثاق عهدی است محکم که شکست آن از هیچ طرف مجاز نیست (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۳: ۲۶). واژگان هم‌خانواده با «میثاق» در مجموع ۳۴ بار در ۲۹ آیه قرآن به کار رفته‌اند. در آیات (۲۷/بقره - ۲۵/رعد) میثاق به معنای محکم کردن عهدی که پیش از آن ذکر شده آمده است. در آیات (۶۲/بقره - ۸۳/بقره - ۸۴/بقره - ۹۳/بقره - ۱۸۷/آل عمران - ۱۵۴/نساء - ۱۵۵/نساء - ۷/مائده - ۱۲/مائده - ۱۳/مائده - ۱۴/مائده - ۷۰/مائده - ۱۶۹/اعراف - ۲۰/رعد - محمد/۸) میثاق به معنای پیمان به کار رفته است و این پیمان از طرف مردم در قبال خداوند است. در آیات (آیه ۷/احزاب - ۸۱/آل عمران) میثاق به معنای پیمان به کار رفته و این پیمان از طرف پیامبران در قبال خداوند است. از کاربرد میثاق در آیات قرآن کریم برداشت می‌شود که جنبه

محکم بودن در میثاق مورد تاکید بوده و این واژه در موقعیت‌هایی استفاده شده است که اهمیت و محکم بودن پیمان مورد توجه بوده است.

از بررسی‌های فوق به این نتیجه می‌رسیم که میثاق مترادف عهد است و جنبه محکم بودن در آن مورد توجه است.

ک) بررسی مفهوم عقد

عقد به معنای گره زدن و جمع کردن اطراف و سر و ته چیزی است، که در مورد اجسام سفت و سخت به کار می‌رود. اما به صورت استعاری در معنای دیگری مانند بستن پیمان نیز به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۲۶). عقد به معنای عهد است (حمیری، ۱۴۲۰: ۴۶۴۱) (مطرزی، ۱۹۷۹ م: ۷۳). عقد به معنای عهد محکم و موکد است (ازهری، ۱۴۲۱ ق: ۱۳۴). عقد به معنی موکدترین عهد است. تفاوت عقد با عهد آن است که در معنی عقد شدت و استیثاق هست اما در عهد نیست. هم‌چنین عهد می‌تواند به صورت انفرادی بسته شود اما عقد اطراف دارد. لذا هر عهدي عقد هم هست اما هر عقدی عهد نیست (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۳). عَقْدَ الیمین یعنی سوگند را محکم و استوار کرد (مهیار، ۱۳۷۶: ۹۷). در آیات (۲۳۵/بقره - ۲۳۷/بقره - ۳۳/نساء - ۸۹/مائده) مشتقات «عقد» به معنای عقد ازدواج آمده است. در آیه ۱/مائده واژه «عقود» به معنای پیمان‌ها آمده است. در مجموع در این چهار آیه معنای پیمان و عهد از مشتقات «عقد» مدنظر بوده است. نتیجه آن که عقد در اصل به معنی جمع کردن است و در اصطلاح مترادف عهد اما دارای جنبه تاکید و استحکام است.

ل) بررسی مفهوم عبارت «کتب علی»

«کتب علی» به معنای فرض کردن است (حیدری، ۱۴۲۳ ق: ۶۴۰). «کتب علی» به معنی امر به کاری کردن است (مهیار، ۱۳۷۶: ۷۲۰). گاهی کنایه می‌شود از واجب شدن عملی و یا تصمیم بر عملی و یا قضای حتمی که بر چیزی رانده شده، کتابت در صورتی که زمینه آیه زمینه تشریع باشد معنای واجب شدن، وضع قانون و جعل حکم دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷ و ۲۴۶). عبارت «کتب علی» و زمان‌ها و اشخاص مختلف آن در ۱۵ آیه قرآن کریم به کار برده شده است. هر جا در قرآن کریم از عبارت «کتب علی» برای قومی استفاده شده، معنایش این است که

این امر لازم و قطعی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۶۷). بر اساس این توضیحات نسبت میان «کتب علی» و «تکلیف» روشن می‌شود و زمانی که خداوند از عبارت «کتب علی» استفاده می‌کند به معنای تعیین تکلیفی برای قوم مخاطب است.

معنای عبارت «کتب علی» در آیات (۱۷۸/بقره - ۱۸۰/بقره - ۱۸۳/بقره - ۲۱۶/بقره - ۴۵/مائده - ۳۲/مائده) برای بیان وضع حکمی شرعی در زمینه قصاص، وصیت یا روزه به کار رفته است. عبارت «کتب علی» در آیات (۲۴۶/بقره - ۷۷/نساء) به معنای مقرر کردن قتال به کار رفته. در معنای مدنظر ما در این پژوهش عبارت «کتب علی» به معنای صادر کردن، تشریع کردن، فرض کردن و واجب کردن حکمی قطعی بر بندگان است.

بر اساس آنچه از بررسی مفهوم واژگان مورد نظر گذشت، جمع‌بندی ویژگی‌های معنایی هر یک از واژگان بررسی شده، در *Error! Reference source not found.* ارائه شده است.

جمع‌بندی مفهوم تکلیف

بر اساس بررسی‌های لغوی و قرآنی انجام شده، تکلیف در کاربرد مد نظر این پژوهش امر و الزام محکم فرد دارای اختیار و توانمند از سوی خداوند متعال در قالب دستورات خدا یا پیامبران (ع) است که از جهت محدود کردن اختیار انسان با مشقت و سختی همراه باشد و انسان در برابر انجام آن مسئول باشد و مورد بازخواست قرار گیرد. تکلیف ممکن است برای فرد یا برای گروهی از مردم یا عموم مردم تعیین شود.

استلزامات تربیتی رویکرد تکلیف‌محور مبتنی بر قرآن کریم

استلزامات تربیتی رویکرد تکلیف‌محور بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم چیست؟ در این بخش از پژوهش با بررسی آیات قرآن کریم که پیش‌تر مورد مطالعه قرار گرفت و مراجعه به تفسیر المیزان دلالت‌های تربیتی رویکرد تکلیف‌محور مشتمل بر اهداف و اصول استخراج خواهد شد.

لزوم شناخت تکالیف الهی و پای‌بندی به عمل به تکالیف الهی

واژه تکلیف در ذات خود متضمن معنای الزام است. هم‌چنین تکلیف با مفاهیمی چون امر، وجوب و فرض نزدیکی مفهومی دارد. در آیات متعددی در قرآن کریم (۶/اعراف - ۵۶/نحل - ۹۳/نحل - ۸/تکواثر - ۹۲/حجر - ۱۳/عنکبوت) بر ضرورت پای‌بندی انسان به تکلیف به معنای

عام و به تکلیف الهی به معنای خاص تاکید شده است. آیه (۲۳/احزاب) بر لزوم پابندی به عهد الهی و بدون تغییر و تبدیل ماندن بر این عهد تاکید دارد. همچنین این حقیقت که انسان در برابر عهد خداوند بازخواست می‌شود در آیات (۱۵/احزاب - ۳۴/اسرا) مورد تاکید قرار گرفته است. یکی از انواع روابط خداوند و بندگان، تعیین تکالیفی از سوی خداوند برای بندگان است (۷/طلاق، ۶۲/مومنون، ۴۲/اعراف، ۱۵۲/انعام، ۲۸۶/بقره، ۲۳۳/بقره).

تکلیف محوری و تقوا ارتباطی تنگاتنگ دارند. در چندین آیه از قرآن کریم ذکر شده است که پابندی به اوامر الهی مرتبه‌ای از تقواست. قرآن کریم در آیه (۵/طلاق) بیان می‌کند که پیروی از اوامر الهی مرتبه‌ای از تقواست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۳۱). هم‌چنین از آیه (۷۶/آل عمران) فهمیده می‌شود که وفای به عهد الهی یکی از مصادیق تقواست و کسانی که به عهد الهی وفا می‌کنند از متقین هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۱۷). در آیه (۷۷/نساء) اشاره شده است که رعایت حکم الهی که قتال بوده متناسب با رعایت تقواست.

از آیات فوق و بسیاری آیات دیگر به صورت مستقیم و همچنین با توجه به محوریت تقوا در دین‌داری به صورت غیر مستقیم نتیجه گرفته می‌شود که عمل انسان به تکالیفی که خداوند برای او وضع کرده است لازم است. از بررسی آیات فوق نتیجه گرفته می‌شود انسان مسلمان باید به تکالیف خود پایبند باشد.

مقدمه هر عملی شناخت است. امیرالمومنین (ع) خطاب به کمیل بن زیاد می‌فرمایند: «مَا مِنْ حَرَكَةٍ أَلَّا وَانْتِ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ» (مجلسی، ۱۴۱۳ ق: ۴۱۲). پابندی به تکالیف الهی و تکلیف محوری نیز نیازمند شناخت و معرفت نسبت به تکالیفی است که انسان در برابر خداوند دارد. لذا شناخت تکالیف مقدمه عمل به تکالیف است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که انسان باید برای شناخت تکالیف خود تلاش نماید.

رویکرد تربیتی و اجزاء نظام تربیتی باید به گونه‌ای طراحی شود که زمینه شناخت تکالیف و پابندی به عمل به تکالیف را در متریان ایجاد نماید. مسیر استنتاج دو گزاره فوق در ادامه آمده است. این دو گزاره از جنس اهداف تربیتی هستند.

مقدمه اول: انسان باید تقوای الهی را در حد توان رعایت کند.

مقدمه دوم: رعایت تقوای الهی در گرو پایبندی به تکالیف الهی است.

نتیجه (استلزام ۱): انسان باید به عمل به تکالیف الهی خود پایبند باشد.

مقدمه اول: انسان باید به عمل تکالیف الهی خود پایبند باشد.

مقدمه دوم: انسان برای انجام هر عملی نیازمند کسب شناخت است.
نتیجه (استلزام ۲): انسان باید برای شناخت تکالیف الهی خود تلاش کند.

لزوم تحمل سختی در مسیر پایبندی به تکالیف

به فرموده قرآن کریم «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (آیه ۶/انشقاق) انسان با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگار خود در حرکت است. یکی از ویژگی‌های تکلیف، همراه بودن آن با سختی و مشقت و دشواری است (فیومی، ۱۴۱۴ ق) (طریحی، ۱۳۷۵) (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق) (عمید، ۱۳۵۸). تکلیف کاری است که انجام آن با سختی و مشقت همراه بوده اما در محدوده وسع مکلف قرار داشته باشد (مسعودی، ۱۳۸۹: ۳۲). در آیه ۲۱۶/بقره که قتال را تکلیف می‌کند و آیات (بقره/۱۸۳ تا ۱۸۵) که روزه را تکلیف می‌کند سختی این تکالیف مورد توجه قرار گرفته است. ویژگی دیگر تکلیف واجب و لازم‌الاجرا بودن آن توسط مکلف است (نجار و همکاران، ۱۹۸۹ م: ۷۹۵).

از دو مقدمه فوق نتیجه گرفته می‌شود که لازمه تکلیف‌محور بودن پایبندی به اجرای دستورات الهی است، هرچند این پایبندی با سختی و مشقت همراه باشد. تکلیف به‌عنوان امری که از یک طرف انجام آن بر مکلف لازم است، و از طرف دیگر با انجام آن با سختی همراه است انسان که بر اساس میل طبیعی خود به دنبال راحتی بیشتر است را در موقعیت ویژه‌ای قرار می‌دهد. لذا انسان تکلیف‌محور باید دارای ویژگی تحمل سختی باشد تا در برابر سختی و مشقت ناشی از پایبندی به تکلیف تسلیم نشده و همواره عامل به تکلیف باشد.

این ویژگی ذاتی تکلیف می‌تواند تعیین‌کننده اصلی مهم در رویکرد تربیتی تکلیف‌محور باشد. در این رویکرد تربیتی باید برای پذیرش دشواری تکلیف آماده باشد. در این شرایط داشتن استقامت کافی در برابر سختی‌ها و مشقت‌ها لازمه موفقیت در عمل به تکلیف و پایبندی به آن است. لذا تقویت استقامت تربیتی یکی از لوازم اجرای رویکرد تربیتی تکلیف‌محور خواهد بود. این گزاره از جنس روش‌های تربیتی است.

مقدمه اول: انسان باید تکالیف الهی را بشناسد و به آن پایبند باشد.
مقدمه دوم: تکلیف در ذات خود دارای سختی و مشقت است.
نتیجه (استلزام ۳): داشتن توان تحمل سختی لازمه پایبندی به تکالیف الهی است.

لزوما تناسب تکلیف با وسع مکلف

خداوند در آیات مختلف از تناسب تکلیف الهی با وسع انسان سخن گفته است. از جمله این آیات می‌توان به آیات (۷/طلاق، ۶۲/مومنون، ۴۲/اعراف، ۱۵۲/انعام، ۲۸۶/بقره، ۲۳۳/بقره) اشاره کرد. در پنج آیه از آیات فوق عبارت بعد از واژه مربوطه مشابه «نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» است و در یک آیه باقی مانده عبارت «نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» می‌باشد. از آیات فوق نتیجه گرفته می‌شود که خداوند هیچ‌گاه تکلیفی را بیش از وسع و طاقت انسان برای او تعیین نمی‌کند.

خداوند از مراحل ایمان آن مقدار را بر بندگان تکلیف کرده که در خور فهم‌شان و و از اطاعت آن مقدار را بر ایشان تکلیف کرده که در خور قدرت‌شان باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۸۴). خداوند از هر عقلی به اندازه توانش تکلیف می‌خواهد و میان آن‌چه از عوام و خواص می‌خواهد تفاوت قائل است. هر نفسی به نسبت وسعش مکلف است و لذا مراتب عقول و مراتب توانایی‌های عملی بر تکلیف آدمی اثرگذار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۸).

هم‌چنین از آیاتی که تکلیف انسان را متناسب با وسع وی می‌دانند برداشت می‌شود که خداوند تکلیف لا یتطاق بر انسان بار نمی‌کند. نفی تکلیف لا یتطاق هم به صورت عمومی است مانند نفی رهبانیت، و هم در مورد موارد خاص مثل ایستاده نماز خواندن برای فرد بیمار (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۸).

از آن‌چه بیان شد نتیجه گرفته می‌شود که در فرآیند تربیت باید استعدادها، محدودیت‌ها و برجستگی‌های متربی مورد توجه قرار گیرد و کیفیت و کمیت تکلیف متناسب با وسع متربی تعیین شود. این گزاره از جنس اصول تربیتی است.

مقدمه اول: انسان باید تکالیف الهی را بشناسد و به آن پای‌بند باشد.

مقدمه دوم: خداوند تکالیف هر انسانی را متناسب با وسعش تعیین فرموده است.

نتیجه (استلزام ۴): در شناخت و تعیین تکلیف باید به تناسب تکلیف با وسع مکلف توجه داشت.

لزوم نفی ایده آل‌گرایی

از آیاتی که در آن‌ها بر تعیین تکلیف برای انسان در حد توانایی و وسع وی تاکید شده است (۲۳۳/بقره - ۲۸۶/بقره - ۱۵۲/انعام - ۴۲/اعراف) چنین برداشت می‌شود که انسان نباید از خود بیش از توانش انتظار داشته باشد. ایده آل‌گرایی در انجام تکلیف جایی ندارد و چنان‌چه انجام تکلیفی در وسع انسان نباشد و لذا آن‌را به جا نیاورد، شایسته سرزنش نخواهد بود. خداوند در این

آیات ضمن اشاره به سوی پدیده تکلیف انسان را موظف به انجام تکلیف در حد وسعش می‌داند و از سوی دیگر به او آرامش می‌دهد که تکلیفی بیش از توانش ندارد. خداوند در آیه (۴۲/اعراف) با بیان این که هیچ کس را بیش از طاقتش تکلیف نمی‌کند، در صدد رفع نگرانی مومنان است. زیرا کسی نمی‌تواند همه اعمال صالح را انجام دهد و هیچ عمل صالحی را ترک نکند و این باعث نگرانی و ناامیدی مومنان می‌شود. خداوند در این آیه بیان می‌دارد که هر کس اعمال صالح را در حد توان خود انجام دهد ولو این که خود را مشقت نیاندازد از اصحاب بهشت جاودان خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۴۴-۱۴۵). یکی از آسیب‌های ممکن در این زمینه ایده‌آل‌گرایی نسبت به انجام تکلیف است. همان‌گونه که بی‌توجهی و عدم حساسیت نسبت به انجام تکالیف یک نقص محسوب می‌شود، ایده‌آل‌گرایی در انجام تکالیف هم می‌تواند یک نقیصه باشد.

لذا فرآیند تربیت و به‌طور خاص نقش مربی در تربیت باید به‌گونه‌ای باشد که منجر به شکل‌گیری حالت ایده‌آل‌گرایی نسبت به عمل به تکالیف در مرتبه نشود. منظور از ایده‌آل‌گرایی حالتی است که در آن مرتبه‌ای که تکلیف‌ش را به تناسب توانایی‌هایش انجام داده است، از عملکرد خود ناخوشنودی شدید دارد و این ناخوشنودی وی را آزار می‌دهد. لازم است در رویکرد تربیتی تکلیف‌محور، از شکل‌گیری حالت ایده‌آل‌گرایی نسبت به عمل به تکلیف در مرتبه‌ای جلوگیری شود. این گزاره از جنس اصول تربیتی است.

مقدمه اول: انسان باید تکالیف الهی را بشناسد و به آن پای‌بند باشد.

مقدمه دوم: انجام دادن تکلیف در حد توان، رضایت الهی را به همراه دارد.

نتیجه (استلزام ۵): انسان نباید در انجام تکالیف الهی دچار ایده‌آل‌گرایی شود.

لزوم توجه توازن به ظاهر و باطن

از بررسی آیات قرآن کریم در حوزه تکلیف روشن می‌شود که انسان هم در حوزه اعتقادات و هم در حوزه اعمال دارای تکلیف است.

در حوزه اعمال، انسان مکلف است برخی اعمال را انجام داده و از انجام برخی اعمال دیگر خودداری کند. قرآن کریم در آیات مختلف از جمله ۹۳/نحل به مسئولیت انسان در برابر اعمال خود اشاره می‌کند. در آیه (تکواثر/۸) به مورد بارخواست بودن انسان درباره چگونگی به کارگیری

نعمت‌های الهی اشاره شده است. آیات (۳۴/اسرا - ۱۵/احزاب) به بیان بازخواست شدن انسان درباره عهد و پیمانی که بسته است پرداخته است.

در حوزه اعتقادات نیز در آیات مختلف موظف بودن انسان به اعتقادات صحیح و مورد بازخواست بودن انسان در برابر اعتقاداتش مورد تاکید قرار گرفته است. قرآن کریم در آیه (نحل/۵۶) به اعتقاد نادرست مشرکین اشاره می‌فرماید و سپس به شدت بیان می‌کند که ایشان به خاطر این اعتقاد مورد بازخواست قرار خواهند گرفت. آیه ۱۳/عنکبوت به بازخواست انسان درباره افترا به خدای سبحان اشاره دارد که از سنخ اعتقادات است. مورد سوال قرار گرفتن گوش و چشم و دل که آیا به عنوان ابزاری برای کسب علم یقینی به کار گرفته شده‌اند یا خیر نیز بر مسئولیت‌ها و تکالیف اعتقادی انسان تاکید دارد (۳۶/اسرا).

لذا انسان هم در حوزه اعمال که بعد ظاهری وجود اوست و هم حوزه اعتقادات که از ابعاد باطنی وجود انسان است و زیربنای اعمال انسان را شکل می‌دهد، دارای تکلیف است و باید به طور توانمند نسبت به شناخت تکالیف خود و عمل به این تکالیف در هر دو بعد کوشش نماید.

از طرف دیگر، صرفاً عمل ظاهری به تکلیف کافی نیست و لازم است قلب انسان نیز نسبت به انجام تکالیف حالت همراهی داشته باشد. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۶۵/نساء تبیین می‌کند که ایمان به معنای تسلیم در برابر امر خدا و رسولش هم در ظاهر و هم در باطن است. اگر کسی در ظاهر تسلیم امر خدا و رسول باشد اما در باطن از این امر ناراحت یا منزجر باشد ایمان حقیقی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۴۶-۶۴۷).

جمع‌بندی آن که فرآیند تربیت در رویکرد تربیتی تکلیف‌محور باید به طور توانمند به لایه ظاهری تکلیف یعنی لایه عملی و رفتاری و هم‌چنین به لایه‌های باطنی تکلیف یعنی لایه‌های اعتقادی و گرایشی توجه داشته باشد. این گزاره از جنس اصول تربیتی است.

مقدمه اول: انسان باید تکالیف الهی را بشناسد و به آن پای‌بند باشد.

مقدمه دوم: انسان هم در حوزه اعمال، هم در حوزه اعتقادات و هم در حوزه گرایش‌ها دارای تکلیف است.

نتیجه (استلزام ۶): مکلف باید هم ظاهر و هم باطن عمل خود را بر تکلیف الهی منطبق سازد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر اهمیت استفاده از رویکردهای تربیتی مبتنی بر مبانی دینی، به‌ویژه تکلیف‌محوری، در نظام تعلیم و تربیت تأکید دارد. مطابق آیات قرآن، پای‌بندی به تکالیف الهی یکی از ارکان اصلی تربیت است. از این پژوهش، استلزامات زیر برای طراحی برنامه‌های تربیتی استنباط شد:

۱. انسان باید برای شناخت تکالیف الهی خود تلاش کند.
 ۲. پای‌بندی به عمل به تکالیف الهی ضروری است.
 ۳. تحمل سختی لازمه انجام تکالیف است.
 ۴. تکلیف باید متناسب با توانایی فرد تعیین شود.
 ۵. اجتناب از ایده‌آل‌گرایی در انجام تکالیف اهمیت دارد.
 ۶. ظاهر و باطن اعمال باید هر دو مطابق با تکالیف الهی باشد.
- این اصول می‌تواند در طراحی برنامه‌های درسی و سایر اجزای نظام تربیتی مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، حسین انصاریان، (۱۳۸۳)، قم: اسوه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- اترک، حسین (۱۳۸۹)، وظیفه‌گرایی اخلاقی، اخلاق در علوم و فناوری، سال پنجم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۲۷-۳۵.
- ادواردز، پل، و دونالد ام، بورچرت (۱۳۹۲)، دانشنامه فلسفه اخلاق، انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق)، تهذیب اللغة، جلد ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اصغری، محمود (۱۳۸۶)، آرمان بعثت؛ حق‌محوری یا تکلیف‌مداری، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۶۳، صص ۷۳-۱۰۰.

- پورعزت، نرگسیان، عباس پور، باستانی پور (۱۳۹۷)، تدوین مدل شهروندپروری مبتنی بر مختصات حکومت حق مدار علوی، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۳۹۷، صص ۴۵-۷۰
- کربلایی پازوکی، علی (۱۳۸۷)، روش های تربیت اجتماعی از منظر ملامحسن فیض کاشانی (ره)، *روانشناسی تربیتی*، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۳، صص ۱۵-۴۴
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، *حق و تکلیف در اسلام*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۳)، *ده مقاله پیرامون مبدا و معاد*، تهران: الزهراء (س).
- حسینی، سید موسی (۱۳۸۳)، *فلسفه شریعت در نگاه علامه طباطبایی*، پژوهش های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸، صص ۲۷۲ تا ۲۸۵.
- حسینی، محمد (۲۰۰۷ م)، *الدلیل الفقہی*، دمشق: مرکز ابن ادریس الحلی للدراسات الفقہیہ.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰)، *شمس العلوم*، جلد ۷. دمشق: دار الفکر.
- حیدری، محمد (۱۴۲۳ ق)، *معجم الأفعال المتداوله و مواطن استعمالها*، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیہ.
- خواص، امیر (۱۳۸۵)، *فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی*، قم: دفتر نشر معارف.
- دغیم، سمیع، و جبار جهمی (۲۰۰۶ م)، *الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربی و الإسلامی*، جلد ۱. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
- زمهریر وقاری، زهرا؛ امین خندقی، مقصود؛ سعیدی رضوانی، محمود و موحدی محصل طوسی، مرضیه (۱۳۹۵)، تبیین برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر رویکرد تکلیف گرا، *مبانی تعلیم و تربیت*، صص ۸۲-۱۰۶.
- ژکس. (۱۳۶۲)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه سیدابوالقاسم پورحسینی. تهران: امیرکبیر.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۸)، *روش های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگاه.
- سیاح، احمد. (۱۳۶۶)، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، تهران: اسلام.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد علی (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، تهران: مرتضوی
- عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ ق)، *الفروق اللغویه*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ ق. *کشف الفوائد فی شرح قواعد العقاید*، قم.
- عمید، حسن (۱۳۵۸)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیرکبیر.
- فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۷۶)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی. قم: موسسه فرهنگی طه.

- فروغی، محمدعلی (۱۳۷۵)، *سیر حکمت در اروپا*، تدوین توسط امیرجلال الدین اعلم، تهران: البرز.
- فیاضی، محمدعلی (۱۳۹۱)، *فلسفه تکلیف*، سفیر نور، شماره ۲۱، صص ۲۵-۵۶.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، *مصباح المنیر*، قم: موسسه دار الهجرة.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۶۹)، *بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق*، حمید عنایت و علی قیصری، تهران: خوارزمی.
- گوئک، جerald ال (۱۳۹۰)، *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، محمد جعفر پاک سرشت، تهران: سمت.
- گودرزی، اکرم؛ دیالمه، نیکو و احمدی زمانی، زهرا (۱۳۹۸)، تبیین عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری دانش آموزان بر اساس رساله حقوق امام سجاد (ع) با تأکید بر نقش مدرسه، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۳۹۸، صص ۶۵-۹۸.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۳ ق)، *بحار الأنوار*، جلد ۷۴، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی، علی (۱۳۷۸)، *شرح کشف المراد*، قم: دارالفکر.
- مختاری، محمدحسین (۱۳۷۷)، *فرهنگ اصطلاحات اصولی*، تهران: انجمن قلم ایران.
- مدنی، علی خان بن احمد (۱۳۸۴)، *الطراز الاول و الكنز لما علیه من لغة العرب*، جلد ۳، مشهد: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، *تاج العروس*، بیروت: دارالفکر.
- مسعودی، محمدهاشم (۱۳۸۹)، *ماهیت و مبانی کلامی تکلیف*، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۲۶ ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت- قاهره- لندن: دار الکتب العلمیه- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطرزی، ناصر بن عبدالسید (۱۹۷۹ م)، *المغرب*، جلد ۲، حلب: مکتبه اسامه بن زید.
- معین، محمد (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، جلد ۲، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ملعوف، لويس. م. المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة. بیروت: دارالمشرق.
- موحدی محصل طوسی، مرضیه؛ مهرمحمدی، محمود؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا و نقی‌زاده، حسن (۱۳۹۲)، *نقد طبقه بندی‌های موجود از رویکردهای تربیت دینی و ارائه یک طبقه بندی مفهومی جدید، مبانی تعلیم و تربیت*، صص ۱۳۷-۱۵۸.
- مهیاری، رضا، (۱۳۷۶)، *فرهنگ ابجدی*، تهران: اسلامی.

نجار، محمد علی، ابراهیم مصطفی، احمد حسن زیات، و حامد عبدالقادر (۱۹۸۹ م)، المعجم الوسیط، جلد ۲، استانبول: دار الدعوة.

نفیسی، علی اکبر، بدون تاریخ، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام.

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۷)، فرهنگ فقه فارسی، قم: انتشارات موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.

هزاوه‌ای، سید مرتضی و سلطانی بیرامی، سکینه (۱۳۹۴)، بررسی جایگاه اصل تکلیف‌گرایی در اندیشه سیاسی

امام خمینی (ره)، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۲، صص ۸۱-۹۸.

یعقوب، امیل (۱۴۲۵ ق)، المعجم المفصل فی الجموع، بیروت: دار الکتب العلمیه.

